

# نیم میلیون کولی

## قربانیان رژیم وحشت و ترور نازیها

نوشته میریام ناویج

می کردند. کشورهای بالتیک، اوکراین و کریمه با گورهای کشتارهای گروهی پوشیده شدند. در شب ۲۴ دسامبر ۱۹۴۱ در سیمبرویل ۸۰۰ مرد، زن و کودک تیرباران شدند. نازیها از هر کجا که عبور می کردند کولیها را دستگیر، تبعید و یا نابود می کردند. تعقیب و اعدام یهودیان و کولیها در یوگوسلاوی در اکتبر ۱۹۴۱ آغاز شد و دهقانان آنجا هنوز فریادهای کودکانی را که در کامیونها برای اعدام برده می شدند در خاطر دارند.

مشکل بتوان تعداد کولیانی را که قبل از جنگ جهانی دوم در اروپا می زیستند و یا تعداد آنها را که جان سالم به در بردند تخمین زد. یک مورخ به نام راسول هیلبرگ تعداد کولیهای آلمان را ۳۴۰۰۰ تخمین زده است، اما شمار باقی ماندگان نامعلوم است. بر طبق گزارشهای گروههای تعقیب که در جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه، اوکراین و کریمه مسئول کشتار بودند، ۳۰۰۰۰۰ کولی در آن نواحی نابود شدند. بر طبق نظر مقامات یوگوسلاوی تنها در سبیری ۲۸۰۰۰ کولی به قتل رسیدند. تعیین تعداد مقتولین در لهستان مشکل است. جوزف تننبا، مورخ، مدعی است که کولیها دست کم ۵۰۰۰۰۰ نفر از مردم خود را از دست دادند.

کولیا که مردمانی پیشینه دار، پر بار و سرشار از زندگی بودند کوشیدند تا در برابر مرگ مقاومت کنند، اما نتوانستند از پس بیرحمی و هیبت دشمنان خود برآیند. عشق آنها به موسیقی گاه مایه تسلیتی برای آنها به هنگام شهادتشان بود. با شکمی گرسنه و تنی پر شیش در مقابل چادرهای شرم آور آشویتس گرد می آمدند و آوازخوانان کودکان را به رقص ترغیب می کردند. بعضی از کولیان جوانتر کوشی می کردند فرار کنند. دانوتاچک در دفتر خاطرات خود نام آنها را که در حال فرار دستگیر و در برابر دیوار مرگ اعدام شده اند همراه با تاریخ آن آورده است. شاهدان عینی رشادت پارتیزانهای کولی را که در ناحیه نیس ویز در لهستان جنگیدند شرح می دهند. بر طبق بعضی نوشته ها، کولیا تنها با یک چاقو با دشمنان سراپا مسلح خود گلاویز می شدند.

چهل سال از زمان کولی کشی گذشته است و این سطور صرفاً یادآور جنایت وحشتناکی است که علیه این گروه از مردم صورت گرفته است.

میریام ناویج مدیر موزه مبارزان گتو می باشد که توسط گروهی از بازماندگان گتوی ورشو در کبیوتس «لوهامل هاگتود» تأسیس شد. این خانم اسرائیلی سی سال است که درباره اثبات این ایده که «نازیها قصد از میان بردن نژاد یهودیان و کولیان را داشته اند» به تحقیق اشتغال داشته است.

طبقه بندی شوند: کولیهای اصیل (Z)؛ کولیهای که نژاد آنها مخلوط اما عمدتاً از خون کولی می باشند (ZM+)؛ کولیهای دارای نژاد مخلوطی که خون غالب در آنها آریایی است (ZM-)؛ و کولیهای مخلوط دارای خون نیمه کولی نیمه آریایی (ZM).

ژوزف بیلگ، مورخ فرانسوی، در کتاب خویش آلمان و نژادکشی از سه روش برای نژادکشی نام می برد: جلوگیری از زادولد، تبعید، و قتل.

آن دسته از زنان کولی که با مردهای غیر کولی ازدواج کرده بودند در بیمارستان دوسلدورف لیرنفلد عقیم شدند و بعضی از آنها به دلیل حامله بودن به هنگام عقیم شدن مردند. در اردوگاه راونزبروک ۱۲۰ دختر کولی توسط پزشکان اس اس عقیم شدند.

تبعید ۵۰۰۰ کولی از آلمان به گتوی لودز در لهستان یکی از نمونه های نابودسازی نژادها از طریق تبعید بود. شرایط زندگی در گتو آنچنان غیر انسانی بود که هیچ گروهی از آن جان سالم به در نمی برد.

اما شیوه ای که نازیها برای نابود کردن نژادها اتخاذ کردند کشتار توده ها بود.

به نظر می رسد تصمیم مربوط به ریشه کن کردن کولیا در بهار ۱۹۴۱، هنگامی که گروه تعقیب تشکیل شد، اتخاذ شده باشد. ابتدا باید کولیا را گرد می آوردند.

از تاریخ صدور اعلامیه هیملر در ۸ دسامبر ۱۹۳۸ آدرس تمام کولیا مشخص شد و در اختیار پلیس قرار گرفت. بر طبق اعلامیه ۱۷ نوامبر ۱۹۳۹ کولیا از ترک محل اقامت خویش ممنوع شدند به طوری که عدول از آن به قیمت کار اجباری در اردوگاه تمام می شد.

سی هزار کولی به لهستان تبعید شدند و در اردوگاههای مرگ بلزک، تربلینکا، سوییبور و ماجدانک نابود گردیدند. هزاران تن دیگر که از بلزیک، هلند، و فرانسه تبعید شده بودند در اردوگاه آشویتس از میان رفتند.

هس که سرپرستی اردوگاه آشویتس را بر عهده داشت در خاطراتش می نویسد که در میان تبعیدشدگان افرادی در حدود صد ساله، زنان باردار و تعداد زیادی کودک بوده اند. بعضی از کسانی که از آشویتس جان سالم به در برده اند، مانند کولکا و کراس در کتاب خود تحت عنوان کارخانه مرگ کشتار جمعی وحشتناک کولیان را در شب ۳۱ ژوئیه ۱۹۴۴ شرح می دهند.

در لهستان و اتحاد شوروی کولیا را هم در اردوگاههای مرگ و هم در فضای باز اطراف شهر می کشتند. جنگ میان آلمان و شوروی در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ آغاز شد. گروههای مرگ اس اس همراه با سپاهیان فون لیر، فون باک، فون روندشت و ژنرالهای دیگر حرکت

ریشه کن کردن کولیا بخشی از برنامه حزب نازی بود. البته تبعیض رسمی علیه کولیا به عنوان گروه دست کم به سال ۱۸۹۹ برمی گردد، هنگامی که پلیس باواریا با تشکیل بخش مخصوص امور کولیان به گردآوری رونوشت آراء صادر شده توسط دادگاهها درباره جرائم کولیان پرداخت. این بخش در سال ۱۹۲۹ به صورت یک مرکز ملی درآمد که ستاد اصلی آن در مونیخ بود و از این زمان به بعد کولیا حق نداشتند بدون اجازه پلیس از جایی به جای دیگر نقل مکان کنند. آن دسته از کولیان بالای شانزده سال که نمی توانستند شاغل بودن خود را به اثبات برسانند به دو سال کار در دارالتأدیب محکوم می شدند.

بعد از ۱۹۳۳ یعنی سالی که هیتلر روی کار آمد این اقدامات حتی شدیدتر نیز شد. کولیانی که نمی توانستند آلمانی بودن خود را ثابت کنند تبعید می شدند و دیگران به عنوان افراد «غیر اجتماعی» در محلهای خاص نگهداری می شدند. ویژگیهای نژادی آنها کم کم مورد توجه واقع شد و در ۱۹۳۶ دکتر هانس گلوبک، یکی از تدوین کنندگان قوانین نورمبرگ، اعلام کرد که «کولیا از خون بیگانه اند». پروفیسور هانس ف. گوتتر نیز که نتوانست منشأ آریایی نژاد کولیا را انکار کند، آنها را تحت عنوان Rassengemische، مخلوط نامشخصی از نژادها، قرار داد.

مطالعه ویژگیهای نژادی کولیان به عنوان موضوع رساله های دکتری پذیرفته شد. اوا جوستین، دستیار دکتر ریتر، که در بخش پژوهشهای نژادی وزارت بهداشتی کار می کرد، به هنگام ارائه رساله خویش اعلام داشت که خون کولیان «برای پاکی نژاد ژرمن بسیار خطرناک است». موقعیت کولیا با صدور اعلامیه ۱۴ دسامبر ۱۹۳۷ که آنها را «جنایتکاران قهار» معرفی می کرد بدتر شد. در اواخر ۱۹۳۷ و در ۱۹۳۸ توقیفهای گسترده ای صورت گرفت و بخش خاصی برای کولیا در اردوگاه کار اجباری بوخنوالد دایر شد. نام کولیا در لیست مرگ تعداد زیادی از اردوگاهها از جمله موتازن، گوسن، دانترگن، نانسویلر و فلوزنبروک به چشم می خورد. بسیاری از زنان کولی قربانی آزمایشهای دکترهای اس اس در راونزبروک شدند. دکتر پورتشی نامی طرحی به رهبر پیشنهاد کرد که بر طبق آن «کولیا می بایست به کار اجباری وا داشته و به طور گروهی اخته شوند، زیرا وجود آنها برای خون پاک دهقانان آلمانی خطرناک است».

در ۱۹۳۸ هیملر شخصاً وارد قضیه شد و دستور انتقال مرکز امور کولیان را از مونیخ به برلن صادر کرد. در همین سال ۳۰۰ کولی غیر سیار که مالک مزارع و تاکستانهایی بودند در دهکده مانورت دستگیر شدند. هیملر اصرار داشت که کولیا باید به نحو زیر